

درباره لایحه آیین دادرسی کیفری
«پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها»
(باب دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی)

به نام خدا

فهرست مطالب

- فصل اول - داسرا و حدود صلاحیت آن ۱
- فصل دوم - ضابطان دادگستری و تکالیف آنان ۲
- فصل سوم - وظایف و اختیارات دادستان ۱۱
- فصل چهارم - وظایف و اختیارات بازپرس ۱۹
- فصل پنجم - معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی ۲۷
- فصل ششم - احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان ۳۸
- فصل هفتم - قرارهای تأمین و نظارت قضایی ۵۰
- فصل هشتم - اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات ۶۲
- فصل نهم - تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان ۶۷
- فصل دهم - وظایف و اختیارات دادستان کل کشور ۶۸



درباره لایحه آیین دادرسی کیفری
«پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها»
(باب دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی)

فصل اول - دادرسی و حدود صلاحیت آن

ماده (۲۲)

به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی تشکیل می‌شود. همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.

ماده (۲۳)

دادرسی به ریاست دادستان تشکیل می‌شود و به تعداد لازم دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد.

ماده (۲۴)

در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان برعهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی برعهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

ماده (۲۵)

به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرس‌های تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت، اطفال و نوجوانان، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود.

ماده (۲۶)

انجام وظایف دادرسی در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر کرده باشد.

ماده (۲۷)

دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش بر عهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آرای کیفری، نظارت داشته، تعلیمات لازم را ارائه خواهد نمود.

فصل دوم - ضابطان دادگستری و تکالیف آنان**ماده (۲۸)**

ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده (۲۹)

ضابطان دادگستری عبارتند از:

الف) ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران،

ب) ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره «۱» - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.



تبصره «۲» - مأموران مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه در مورد جرائم کارکنان این قوه و نیز پرونده های ارجاعی از سوی رئیس قوه قضائیه ضابط دادگستری محسوب می شوند.

ماده (۳۰)

احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

تبصره «۱» - دادستان مکلف است به طور مستمر دوره های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت های لازم و ایفای وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

تبصره «۲» - آیین نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزرای کشور (از طریق نیروی انتظامی)، اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه، به تصویب هیئت وزیران می رسد.

ماده (۳۱)

به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری حداکثر ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه کرده و پس از تصویب آن از سوی هیئت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد.

ماده (۳۲)

ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می کنند، حق نظارت دارند.

تبصره - ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی که حسب قانون، ضابط تلقی نمی شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده (۳۳)

دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف مربوط به ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار داده، در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می شود، قید و دستورات لازم را صادر می کند.

ماده (۳۴)

دستورات مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورات و درج مراتب و اقدامات معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت آن را به امضای مقام قضایی برساند.

ماده (۳۵)

ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

تبصره - چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای دادستان یا مقام قضایی مربوط ارسال کنند.

ماده (۳۶)

گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نبوده و براساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد.

ماده (۳۷)

ضابطان دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند.

ماده (۳۸)

ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.

**ماده (۳۹)**

ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی را در مورد ضرر و زیان وارد شده در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.

ماده (۴۰)

افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

ماده (۴۱)

ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.

ماده (۴۲)

بازجویی و تحقیقات از زنان و افرادی که سن آنان ۱۵ سال و یا کمتر از آن است، توسط ضابطان آموزش‌دیده زن انجام می‌شود و در صورت عدم امکان، پرونده زنان برای تحقیقات و بازجویی نزد بازپرس و پرونده افرادی که سن آنان ۱۵ سال و یا کمتر از آن است، نزد دادگاه اطفال یا قائم‌مقام آن ارسال می‌گردد.

ماده (۴۳)

هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید بوده یا اطلاعات ضابط دادگستری از منابع موثق نباشد، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورده، نتیجه را گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند.

ماده (۴۴)

ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند، اما درخصوص جرائم مشهود، تمام

اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل آورده، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلع در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد، اسم، آدرس، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند.

ماده (۴۵)

جرم در موارد زیر مشهود است:

- الف) در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند،
- ب) بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند،
- ج) بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز گردد،
- د) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار بوده یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شده باشد،
- هـ) جرم در منزل یا محل سکونای افراد اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود درخواست کند،
- و) متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد،
- ز) متهم ولگرد بوده و در آن محل سوء شهرت داشته باشد.
- تبصره «۱» - چنانچه جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.**
- تبصره «۲» - ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد.**

**ماده (۴۶)**

ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به اطلاع دادستان برسانند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه‌دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوراً برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

ماده (۴۷)

هرگاه فردی خارج از وقت اداری به‌علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن وی اقدام قانونی به‌عمل آورد.

ماده (۴۸)

با شروع تحت نظر قرار گرفتن، شخص می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت محرمانگی تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد می‌تواند ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.

تبصره - اگر شخص به‌علت ارتکاب یکی از جرائم سازمان‌یافته و یا جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و یا جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بند «الف»، «ب» و «ج» ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گرفته باشد، امکان ملاقات با وکیل را تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن نخواهد داشت.

ماده (۴۹)

به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، آدرس و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات فصل اول از باب

ششم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درخصوص تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

ماده (۵۰)

شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

ماده (۵۱)

بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

ماده (۵۲)

هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

ماده (۵۳)

ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده، در صورت مجلس قید و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

تبصره - در این ماده و نیز در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضا و یا اثر انگشت شخص پیش‌بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضا نباشد.

**ماده (۵۴)**

ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آنکه انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.

ماده (۵۵)

ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد.

ماده (۵۶)

ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادر شده عمل کرده، از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند.

ماده (۵۷)

چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد، مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.

ماده (۵۸)

ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به رؤیت متصرف محل رسانده، مراتب را در صورت‌مجلس قید و به امضای شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی‌که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت‌مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

ماده (۵۹)

ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری کرده، در صورت‌مجلسی که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

تبصره - رعایت مفاد این ماده درخصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه الزامی است و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

ماده (۶۰)

اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، سوالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سوالاتی که خارج از موضوع اتهام است، در بازجویی‌ها ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه بوده است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت‌مجلس قید شود و به امضا یا اثر انگشت متهم برسد.

ماده (۶۱)

تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

ماده (۶۲)

تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است.

ماده (۶۳)

تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.



فصل سوم - وظایف و اختیارات دادستان

ماده (۶۴)

جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف) شکایت شاکی یا مدعی خصوصی،

ب) اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاصی که از قول آنان اطمینان

حاصل می‌شود،

ج) جرم مشهود، هرگاه دادستان یا بازپرس ناظر وقوع آن باشند،

د) اظهار و اقرار متهم،

ه) موارد قانونی دیگری که دادستان از وقوع جرم مطلع می‌شود.

ماده (۶۵)

هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هرچند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام‌کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آنکه دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.

ماده (۶۶)

سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند.

تبصره «۱» - در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره «۲» - ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوط آگاه کنند.

تبصره «۳» - شرایط، نحوه ورود و اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌موجب آیین‌نامه‌ای

خواهد بود که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده (۶۷)

گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا همراه با قرآنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

ماده (۶۸)

شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کنند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف) نام و نام‌خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری، شماره شناسنامه، آدرس رایانامه (آدرس الکترونیکی)، شماره تلفن ثابت و همراه، شماره ملی، کد پستی و نشانی دقیق شاکی،

ب) موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم،

ج) ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است،

د) ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان،

ه) مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان.

تبصره - قوه قضائیه مکلف است اوراق متحدالشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار گیرد. عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع شکایت نیست.

ماده (۶۹)

دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضا یا اثر انگشت شاکی می‌رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود.

**ماده (۷۰)**

در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است، اما بزه‌دیده، محجور باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی نباشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به‌عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به‌عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است.

تبصره - درخصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می‌تواند شخصاً طرح شکایت نماید.

ماده (۷۱)

در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی آنان با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این‌صورت، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.

ماده (۷۲)

هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلفند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند.

ماده (۷۳)

دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و ارائه تعلیمات لازم را دارد.

ماده (۷۴)

دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یافته، بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.

ماده (۷۵)

نظارت بر تحقیقات به‌عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به‌عمل می‌آید، هرچند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است.

ماده (۷۶)

دادستان پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به‌طور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این‌صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام داده و نتیجه را نزد وی ارسال کند.

ماده (۷۷)

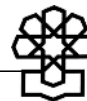
در صورت مشهود بودن جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون، تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان اقدامات لازم را برای حفظ آثار و علائم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به‌عمل می‌آورد.

ماده (۷۸)

در مورد جرائم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت دادگاه محل خارج است، دادستان مکلف است تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم انجام داده و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بداند، انجام دهد و نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند.

ماده (۷۹)

در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این‌صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

**ماده (۸۰)**

در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یکبار از تعقیب متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط خواهد بود.

ماده (۸۱)

در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارد شده جبران گردیده و یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شده و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از ۶ ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورات زیر می‌کند:

الف) ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان‌بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده،

ب) ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف ۶ ماه،

ج) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال،

د) خودداری از رفت‌وآمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال،

ه) معرفی خود در زمان‌های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می‌کند، حداکثر به مدت یک سال،

و) انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام‌المنفعه‌ای که دادستان معین می‌کند، حداکثر به مدت یک سال،

ز) شرکت در کلاس‌ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه‌ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال،

ح) عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال،

ط) عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال،

ی) عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه‌دیده که توسط دادستان تعیین می‌شود، برای مدت معین،

ک) ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت ۶ ماه.

تبصره «۱» - در صورتی که متهم در مدت تعلیق به اتهام ارتکاب یکی از جرائم مستوجب حد، قصاص یا تعزیر درجه هفت و بالاتر مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورات مقام قضایی را اجرا نکند، قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه قرار تعلیق را ابقا خواهد کرد. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادر شده تصریح کند.

تبصره «۲» - قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.

تبصره «۳» - هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

تبصره «۴» - بازپرس می‌تواند در صورت وجود شرایط قانونی، اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.

تبصره «۵» - در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند.

تبصره «۶» - قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در واحد سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر، ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

ماده (۸۲)

در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ که قابل تعلیق هستند، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای جهت میانجیگری ارجاع کند. مدت میانجیگری از سه ماه بیشتر نخواهد بود.



مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از ۶ ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورات موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

تبصره ۵ - بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از مقام قضایی تقاضا نماید.

ماده (۸۳)

نتیجه میانجیگری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورت‌مجلسی که به امضای میانجیگر و طرفین رسیده است، برای بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد مقام قضایی مربوط ارسال می‌شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت‌مجلس الزامی است.

ماده (۸۴)

چگونگی انجام دادن کار در مؤسسات عام‌المنفعه موضوع بند «و» ماده (۸۱) این قانون و ترتیب میانجیگری و شخص یا اشخاصی که برای میانجیگری انتخاب می‌شوند، موضوع ماده (۸۲) این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

ماده (۸۵)

در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

ماده (۸۶)

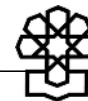
در غیر جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه داده به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه هرچند فارغ از امر کیفری باشد، به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند.

ماده (۸۷)

هرگاه مأموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکروبی خطرناک و یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح به پست و یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت مجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد. دادستان پس از اخذ نظر مراجع ذیصلاح و بررسی، در صورت منتفی بودن احتمال، بلافاصله دستور استرداد یا ارسال بسته پستی را صادر می‌کند.

ماده (۸۸)

در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله دارای تمام وظایف و اختیارات دادستان هستند و تحت تعلیمات و نظارت او انجام وظیفه می‌کنند. در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری که سابقه قضایی بیشتری دارد و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد، جانشین دادستان خواهد شد.



فصل چهارم - وظایف و اختیارات بازپرس

مبحث اول - اختیارات بازپرس و حدود آن

ماده (۸۹)

شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه بازپرس ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع کرده، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

ماده (۹۰)

تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی به موجب قانون، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

ماده (۹۱)

تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر کرده است. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.

ماده (۹۲)

تحقیقات مقدماتی تمام جرائم برعهده بازپرس است. در غیرجرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع کند، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف ۲۴ ساعت در این خصوص اظهار نظر کند.

تبصره - در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه یا نبودن بازپرس دیگر، در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را صرفاً تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام خواهد داد.

ماده (۹۳)

بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام داده، در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

ماده (۹۴)

تحقیقات مقدماتی باید به سرعت و به نحو مستمر انجام شود و ایام تعطیل مانع انجام آن نیست.

ماده (۹۵)

بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورده، در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.

ماده (۹۶)

انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف) متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده (۳۰۲) این قانون و جرائم عمدی دارای مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر، که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و به‌منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به‌دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

ماده (۹۷)

بازپرس به‌منظور حمایت از بزه‌دیده یا خانواده او و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورات و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

**ماده (۹۸)**

بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیرجرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع کند که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

ماده (۹۹)

هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که به جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را موافق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل آورده، همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

تبصره - چنانچه جرم کشف شده از جرائمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد.

ماده (۱۰۰)

شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کرده و در تحقیقات حضور داشته باشد، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات نداشته باشد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد.

تبصره «۱» - در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

تبصره «۲» - ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده به شاکی ممنوع است.

ماده (۱۰۱)

بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام‌خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد،

تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.

ماده (۱۰۲)

انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نمی‌باشد، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره «۱» - در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم خود بدو قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار خواهد کرد. همچنین، قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

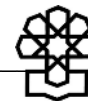
تبصره «۲» - در جرائم مذکور در این ماده، شاکی شخصی است که جرم به عنف، اکراه، اجبار، اغفال و یا اذیت و آزار علیه او صورت گرفته است. اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت خواهد داشت. در مورد بزه‌دیدگان بالغی که سن آنان زیر ۱۸ سال است، ولی یا سرپرست قانونی آنان نیز حق طرح شکایت خواهند داشت.

ماده (۱۰۳)

هرگاه در برابر مقام قضایی به هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، او می‌تواند از قوای انتظامی و در صورت ضرورت از نیروهای نظامی استفاده کند. این قوا مکلف به انجام دستور مقام قضایی هستند. در صورت عدم اجرای دستور، مستنکف به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌شود.

ماده (۱۰۴)

بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرائم تعزیری درجه ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معین نباشد و دو سال تمام از وقوع جرم گذشته باشد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به‌طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور



دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شده، دادگاه راساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

ماده (۱۰۵)

بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجرا کرده، مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و هرگاه در هنگام اجرا با اشکال مواجه شود، به نحوی که انجام تقاضا مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام می‌نماید.

ماده (۱۰۶)

بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آنها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به‌طور کتبی به دادستان اعلام کند.

تبصره - تخلف از این ماده و مواد (۹۵)، (۱۰۲) و (۱۰۴) و تبصره «۱» ماده (۱۰۲) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده (۱۰۷)

شاکلی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.

تبصره - چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شده باشد، بازپرس مکلف است هنگام صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مد نظر قرار دهد.

ماده (۱۰۸)

در صورتی که خواسته شاکلی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکلی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند.

ماده (۱۰۹)

قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ، اجرا می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجرا و سپس ابلاغ می‌شود. این موارد،

فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد. قرار تأمین خواسته مطابق مقررات اجرای احکام مدنی در اجرای احکام کیفری دادرسی مربوط اجرا می‌شود.

ماده (۱۱۰)

رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.

ماده (۱۱۱)

دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند.

ماده (۱۱۲)

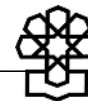
در مواردی که مطالبه خواسته نیازمند تقدیم دادخواست باشد، چنانچه شاکی تا قبل از ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

ماده (۱۱۳)

در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، از قرار تأمین خواسته رفع اثر می‌شود.

ماده (۱۱۴)

جولوگیری از تمام یا بخشی از فعالیت شرکت‌های تجاری و کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، محل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جولوگیری و ادله یاد شده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است.

**ماده (۱۱۵)**

نوشتن بین سطور، قلم‌خوردگی و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضا کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شده باشد، اشخاص یاد شده باید زیر آن را امضا کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی ازسوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت وقوع قلم‌خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضای اشخاص فوق برسد.

مبحث دوم - صلاحیت بازپرس**ماده (۱۱۶)**

بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌کند:

الف) جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شده باشد،

ب) جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد،

ج) جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.

ماده (۱۱۷)

در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شده باشد، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل آورده، در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادر شده منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف ۴۸ ساعت، به دادرسی محل وقوع جرم می‌فرستد.

ماده (۱۱۸)

هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می‌کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می‌کند.

ماده (۱۱۹)

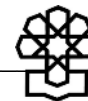
هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیا، جمع‌آوری آلات جرم و به‌طور کلی هر اقدام دیگر در خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آنها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطایی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضا به همراه سایر مدارک به‌دست آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌کند.

تبصره «۱» - انجام نیابت قضایی در حوزه قضایی بخش به‌عهده رئیس یا دادرس علی‌البدل دادگاه آن محل است.

تبصره «۲» - در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رأی الزامی است.

ماده (۱۲۰)

بازپرس در هنگام صدور قرار نیابت قضایی می‌تواند نوع تأمین را معین یا اختیار اخذ تأمین و نوع آن را به‌نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است به‌نظر خود، تأمین متناسبی اخذ می‌کند. همچنین در موردی که تقاضای اخذ تأمین نشده باشد، وی می‌تواند در صورت توجه اتهام با نظر خود تأمین مناسب اخذ کند.

**ماده (۱۲۱)**

هرگاه در اجرای نیابت قضایی، قرار تأمین صادر شده منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان محل اجرای نیابت ارسال می‌شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح محل اجرای نیابت، رسیدگی می‌شود.

ماده (۱۲۲)

هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می‌کند. در این صورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورات بازپرس هستند.

فصل پنجم - معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی**ماده (۱۲۳)**

هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت داشته باشد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.

ماده (۱۲۴)

معاینه محل و تحقیق محلی جز در مواردی که ضرورت دارد باید در روز انجام شود. مراتب ضرورت در دستور قید می‌شود.

ماده (۱۲۵)

معاینه محل و تحقیق محلی توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند، اما عدم حضور آنان، مانع از انجام معاینه نیست.

تبصره - هرگاه حضور متهم یا سایر اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند در هنگام معاینه محل ضروری باشد، مکلفند به دستور بازپرس در محل حاضر شوند.

ماده (۱۲۶)

هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس لازم بداند، شخصاً حاضر می‌شود؛ اما درخصوص جرائم موضوع بند «الف» ماده (۳۰۲) این قانون و همچنین هنگام معاینه اجساد، مکلف است شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد.

ماده (۱۲۷)

هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، شهود و مطلعان نیز دعوت می‌شوند. در موارد ضروری، بازپرس می‌تواند دیگر اشخاصی را که حضور آنان لازم است به محل دعوت کند. در صورت حاضر نشدن بدون عذر موجه اشخاص موضوع این ماده و منحصر بودن اثبات حق به اظهارات آنها، بازپرس دستور جلب آنان را صادر می‌کند.

ماده (۱۲۸)

کارشناس رسمی یا خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می‌شوند که اظهارنظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد.
تبصره - بازپرس می‌تواند در صورت لزوم از پزشک معالج نیز دعوت به عمل آورد.

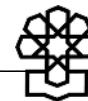
ماده (۱۲۹)

هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه‌های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، به دستور بازپرس توسط کارشناسان جمع‌آوری و در صورت مجلس قید می‌شود و به امضای اشخاص دخیل در موضوع می‌رسد.

ماده (۱۳۰)

صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و در صورت ضرورت سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.

تبصره - حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط این گروه به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری و



وزیر کشور با همکاری نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده (۱۳۱)

بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و ... اقدام نموده، دستورات لازم را صادر می‌کند.

ماده (۱۳۲)

هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به‌طور دقیق در صورت مجلس قید و اثر انگشتان دست متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت متوفی به هر نحو که مقتضی بداند، اقدام می‌شود.

تبصره - در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند.

ماده (۱۳۳)

ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، از ورود افراد و در صورت ضرورت از خروج آنان از آن محل جلوگیری کنند.

ماده (۱۳۴)

از تمام آثار قابل انتقال موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به نحوی مهروموم شود که در معرض تلف نباشد.

ماده (۱۳۵)

هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته شده و غیرقابل انتقال از محل باشد، تا جمع‌آوری آنها، بازپرس برای حفظ ادله یاد شده اقدام می‌کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهروموم کرده، حفاظت آنها را به ضابط دادگستری می‌سپارد.

ماده (۱۳۶)

بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.

ماده (۱۳۷)

تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیا در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود داشته باشد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.

ماده (۱۳۸)

مجوز تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) و نیز متهمان جرائم موضوع بند «ه» ماده (۳۰۲) این قانون، باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجرا شود.

ماده (۱۳۹)

چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.

ماده (۱۴۰)

تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌شود که ضرورت اقتضا کند. بازپرس جهت ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید می‌کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می‌یابد.

تبصره - روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

ماده (۱۴۱)

دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و به صراحت، موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و



نشانی آنها مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورات مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضا یا اثر انگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف ۲۴ ساعت به مقام قضایی اعلام کنند.

ماده (۱۴۲)

تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکونای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید.

تبصره - هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده (۱۴۳)

حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است؛ اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروری بداند، به دستور وی در محل حاضر می‌شوند.

ماده (۱۴۴)

در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی بوده، در حکم ضابط دادگستری است.

ماده (۱۴۵)

در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیا مورد بازرسی، از باز کردن محل‌ها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

تبصره - در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم براءت صادر شود، دولت مسئول جبران خسارت است.

مگر آنکه تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت کرده و به بازپرس یا مأموران مقصر مراجعه خواهد نمود.

ماده (۱۴۶)

از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کرده، موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد، نشود، در غیر این صورت وی به جرم افشای اسرار محکوم می‌شود.

ماده (۱۴۷)

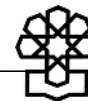
آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و ممکن است موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد، توقیف شده، هریک در صورت مجلس توصیف و شماره‌گذاری می‌شود. آنگاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن اشیا به صاحب یا متصرف آنها داده می‌شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می‌شود، نگهداری می‌گردد.

تبصره - شیوه نگهداری اموال و پرداخت هزینه‌های مربوط که از محل اعتبارات قوه قضائیه می‌باشد، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده (۱۴۸)

بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درخصوص استرداد و یا معدوم کردن اشیا و اموال کشف شده که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیا دادگاه تکلیف آنها را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر، دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر کند:

الف) وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازرسی یا دادرسی لازم نباشد،



ب) اشیا و اموال بلامعارض باشد،

ج) از اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

تبصره «۱» - در تمام امور کیفری، دادگاه نیز باید ضمن صدور رأی، نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن اشیا و اموال موضوع این ماده تعیین تکلیف کند.

تبصره «۲» - متضرر از تصمیم بازپرس یا دادگاه در مورد اشیا و اموال موضوع این ماده، می‌تواند طبق مقررات اعتراض کند، هرچند قرار بازپرس یا حکم دادگاه نسبت به امر کیفری قابل اعتراض نباشد. در این مورد، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیم بازپرس، دادگاه و نسبت به تصمیم دادگاه، دادگاه تجدیدنظر استان است.

ماده (۱۴۹)

مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب باشد و یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن شود و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد، حسب مورد، به تقاضای بازپرس و موافقت دادستان و یا دستور دادگاه به قیمت روز فروخته می‌شود. وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به‌عنوان امانت نگهداری می‌شود.

تبصره - هرگونه دخالت و تصرف غیرمجاز و استفاده از اموال توقیفی ممنوع است.

ماده (۱۵۰)

کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره «۱» - شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به‌موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین خواهد شد.

تبصره «۲» - کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه صادرکننده حکم یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.

ماده (۱۵۱)

بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رئیس کل دادگستری استان کنترل کند.

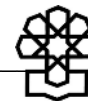
ماده (۱۵۲)

تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مربوط به متهم در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می‌خواهد، این مراسلات را توقیف کرده، نزد او بفرستد. در صورت عدم امکان توقیف، مرجع مربوط این امر را به اطلاع بازپرس می‌رساند و از وی کسب تکلیف می‌کند. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده کرده یا در محل مناسب نگهداری می‌کند. استنکاف متهم از امضا یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورت مجلس قید می‌شود. چنانچه اشیای مزبور حائز اهمیت نباشد و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال‌کننده یا به صاحبش مسترد می‌شود.

تبصره - موارد ضرورت بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان، به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد و پس از تأیید، حسب مورد ارسال یا به محکوم تسلیم می‌شود. در صورت عدم تأیید، مکاتبات و مراسلات ضبط و مراتب به اطلاع دادگاه خواهد رسید.

ماده (۱۵۳)

مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی و نهادها و شرکت‌های وابسته به آنها، سازمان‌های نظامی و انتظامی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان بگذارند، مگر در مورد اسناد سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رئیس قوه قضائیه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی متهم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود.



تبصره - درخصوص اسناد سری و به‌کلی سری مربوط به نیروهای مسلح رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیار خود را به رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح تفویض کند.

ماده (۱۵۴)

هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، بازپرس می‌تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استنکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضایی رسیدگی‌کننده ارائه می‌دهند. نوشته، اسناد و مدارک غیرمرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد.

ماده (۱۵۵)

هرگاه بازپرس رأساً یا به تقاضای یکی از طرفین انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌کند. بازپرس موضوعی را که جلب نظر کارشناس نسبت به آن لازم است به‌طور دقیق تعیین می‌کند.

ماده (۱۵۶)

بازپرس، کارشناس را به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند. در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف‌نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.

تبصره «۱» - اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان از نظر تخصص با هم مساوی باشند.

تبصره «۲» - اگر حوزه‌ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری باشد یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری یافت نشود و یا در دسترس نباشد، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور یا اهل خبره انتخاب کند.

ماده (۱۵۷)

بازپرس دستمزد کارشناس را با رعایت کمیت، کیفیت و ارزش کار، پیش از ارجاع امر تعیین می‌کند. هرگاه پس از اظهار نظر کارشناس معلوم شود که دستمزد تعیین شده متناسب نبوده است، بازپرس میزان آن را به‌طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد. در هر حال دستمزد مزبور نباید از تعرفه تجاوز نماید.

ماده (۱۵۸)

کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس دارای عذر موجه باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را کتباً به بازپرس اعلام دارد.

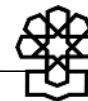
تبصره - جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرسی است.

ماده (۱۵۹)

بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می‌کند. در مواردی که اظهار نظر مستلزم زمان بیشتر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می‌تواند برای یکبار مهلت را تمدید کند. تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌گردد. هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را کتباً تقدیم دادگاه ننماید، کارشناس دیگری تعیین می‌شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود، دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد. در هر حال دادگاه تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می‌دارد.

ماده (۱۶۰)

بازپرس پرسش‌های لازم را از کارشناس به صورت کتبی یا شفاهی به عمل آورده، نتیجه را در صورت مجلس قید می‌کند. در صورتی که بعضی موارد از نظر بازپرس در کشف حقیقت اهمیت داشته باشد، کارشناس مکلف است به درخواست بازپرس در مورد آنها اظهار نظر کند.

**ماده (۱۶۱)**

جز در موارد فوری، پس از پرداخت دستمزد، به کارشناس اخطار می‌شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می‌شود. طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه کرده و نظر خود را به‌طور کتبی اعلام کنند.

ماده (۱۶۲)

شهود تحقیق و سایر اشخاصی که هنگام اجرای قرار کارشناسی حق حضور دارند، می‌توانند مخالفت خود با نظریه کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند. این امر در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده (۱۶۳)

در صورت نقص نظریه کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس موارد لازم را در صورت مجلس درج کرده، به کارشناس اعلام می‌دارد و او را برای ادای توضیح دعوت می‌کند. در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازپرسی حاضر نشود، جلب می‌شود. تبصره - هرگاه پس از اخذ توضیحات، بازپرس نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌کند.

ماده (۱۶۴)

اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهارنظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت ملاک عمل خواهد بود. عدم حضور کارشناس یا امتناع وی از اظهارنظر یا امضا باید از طرف کارشناسان دیگر صورت مجلس شود.

ماده (۱۶۵)

هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند تا دو بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند.

ماده (۱۶۶)

در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد کرده، موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد.

ماده (۱۶۷)

هرگاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر شده باشد، می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه جبران خسارت کند.

فصل ششم - احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان
مبحث اول - احضار، جلب و تحقیق از متهم**ماده (۱۶۸)**

بازپرس نباید کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند، مگر آنکه دلیل کافی برای توجه اتهام به وی موجود باشد.

تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

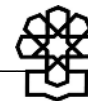
ماده (۱۶۹)

احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌شود و نسخه دیگر پس از امضا به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود.

ماده (۱۷۰)

در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید شده، به امضای مقام قضایی می‌رسد.

تبصره - در جرائمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند.

**ماده (۱۷۱)**

فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.

ماده (۱۷۲)

ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت انجام می‌شود.

ماده (۱۷۳)

هرگاه شخص احضار شده سواد نداشته باشد، مأمور ابلاغ، مفاد احضاریه را به وی تفهیم می‌کند.

ماده (۱۷۴)

هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک ماه از تاریخ نشر آگهی جهت حضور، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.

تبصره - در جرائمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضا کند، عنوان اتهام در آگهی موضوع این ماده ذکر نمی‌شود.

ماده (۱۷۵)

استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل آدرس رایانامه (پست الکترونیکی)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات فصل اول از باب ششم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.

تبصره - شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع این ماده براساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده (۱۷۶)

قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزرای دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

ماده (۱۷۷)

سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی براساس قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد.

ماده (۱۷۸)

متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

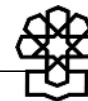
- الف) نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به‌گونه‌ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود،
- ب) بیماری متهم که مانع از حضور است و همچنین بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد،
- ج) فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم،
- د) ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری‌های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد،
- هـ) در توقیف یا حبس بودن.

تبصره - در سایر موارد، متهم می‌تواند برای یکبار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع ساخته، موافقت وی را اخذ نماید که در این مورد، بازپرس می‌تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، تا سه روز مهلت را تمدید کند.

ماده (۱۷۹)

متهمی که بدون عذر موجه حضور پیدا نکرده یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور بازپرس جلب می‌شود.

تبصره - در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را فقط برای یکبار دیگر احضار می‌نماید.

**ماده (۱۸۰)**

در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آنکه ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

- (الف) در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است،
(ب) هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسیده باشد،
(ج) در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود،
(د) در مورد متهمان جرائم سازمان‌یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی.

ماده (۱۸۱)

جلب متهم به موجب برگه جلب به عمل می‌آید. مضمون برگه جلب که حاوی مشخصات متهم و علت جلب است باید توسط بازپرس امضا و به متهم ابلاغ شود.

ماده (۱۸۲)

مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت‌الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران کمک بخواهد.

ماده (۱۸۳)

جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

تبصره - تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم به نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می‌کند.

ماده (۱۸۴)

در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

تبصره «۱» - چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلفند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند.

تبصره «۲» - در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب و تحویل دهند.

تبصره «۳» - در صورتی که متهم در منزل یا محل کار خود یا دیگری مخفی شده باشد، ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.

ماده (۱۸۵)

ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به بازپرس یا مقام قضایی جانشین، در اولین وقت اداری، متهم را نزد او حاضر کنند. در صورت تأخیر از تحویل فوری متهم، باید علت آن و مدت‌زمان نگهداری در پرونده درج شود. به هر حال مدت نگهداری متهم تا تحویل وی به بازپرس یا قاضی کشیک نباید بیش از ۲۴ ساعت باشد.

تبصره - رعایت مقررات مواد (۴۹) تا (۵۳) این قانون درخصوص متهمان موضوع این ماده الزامی است.

ماده (۱۸۶)

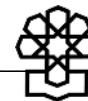
در ایام تعطیل متوالی، قاضی کشیک، پرونده متهم جلب شده را با تنظیم صورت‌مجلس از شعبه بازپرسی خارج و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند و در نخستین روز پس از تعطیلی، پرونده را به شعبه مزبور اعاده می‌کند.

ماده (۱۸۷)

هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس تشخیص می‌دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او رفته، تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد.

ماده (۱۸۸)

بازپرس تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، ۶ ماه و قابل تمدید است. در



صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی شده و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.

ماده (۱۸۹)

بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف ۲۴ ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، با رعایت ماده (۹۸) این قانون مبادرت به تحقیق نماید. در صورتی که بازپرس غایب بوده یا عذر موجه داشته باشد یا به علل قانونی از شروع تحقیقات امتناع ورزد، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضا به دادرس دادگاه محول می‌کند.

تبصره - تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت، بدون آنکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.

ماده (۱۹۰)

متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.

تبصره «۱» - سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.

تبصره «۲» - در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد می‌باشد، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس مبادرت به انتخاب وکیل تسخیری برای وی می‌نماید.

ماده (۱۹۱)

چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

ماده (۱۹۲)

تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر در جرائم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت توافقی رسیدگی می‌شود و بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید.

ماده (۱۹۳)

بازپرس ابتدا اوراق هویت متهم را ملاحظه و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت، سابقه کیفری و همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کدپستی منزل، شماره ملی، آدرس رایانامه (پست الکترونیکی) و شماره تلفن ثابت و همراه او را دقیقاً پرسش می‌کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به متهم به آسانی مقدور باشد.

ماده (۱۹۴)

بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌دارد، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام شده فرستاده می‌شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق در همان محل اعلام شده ابلاغ می‌شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل، با مقامی است که به اتهام رسیدگی می‌کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی نیز لازم است.

**ماده (۱۹۵)**

بازپرس پیش از شروع به تحقیق به متهم اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌دارد که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌نماید. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.

تبصره - وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد.

ماده (۱۹۶)

تخلف از مقررات مواد (۱۹۳) تا (۱۹۵) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده (۱۹۷)

متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده (۱۹۸)

بازپرس جز در موارد مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می‌کند. متهمان نباید با یکدیگر داخل در مذاکره و مواضعه شوند.

ماده (۱۹۹)

پاسخ پرسش‌ها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضا یا اثر انگشت او برسد. متهم باسواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.

ماده (۲۰۰)

بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد، مترجم رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق تعیین می‌کند. مترجم مورد وثوق باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.

ماده (۲۰۱)

بازپرس برای شاکي، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنواست یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به‌عنوان مترجم انتخاب می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی شعبه سؤال را برای آنان می‌نویسد تا به‌طور کتبی پاسخ دهند.

ماده (۲۰۲)

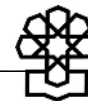
هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به‌عمل آورده، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش می‌باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزرای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رفاه و تأمین اجتماعی تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

ماده (۲۰۳)

در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به‌صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد، حاوی مطالب زیر خواهد بود:

- الف) گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم،
ب) گزارش پزشکی و روان‌پزشکی.



مبحث دوم - احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

ماده (۲۰۴)

بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذیربط، شخصی را که حضور یا تحقیق از وی برای روشن شدن موضوع لازم بداند، برابر مقررات احضار می‌کند.

تبصره «۱» - در صورتی که شاهد یا مطلع برای حاضر نشدن خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار می‌شود و در صورت عدم حضور جلب می‌شود.

تبصره «۲» - در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به شکل الکترونیکی و با رعایت مقررات فصل اول از باب ششم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید.

ماده (۲۰۵)

در صورتی که شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل ۲۴ ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده یا رئیس مربوط مکلف است پس از وصول دستور مقام قضایی، شخص احضار شده را در موقع مقرر بفرستد.

ماده (۲۰۶)

تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه غیرعلنی است.

ماده (۲۰۷)

بازپرس از هریک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند و منشی اطلاعات ایشان را نوشته، به امضا یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. جهت ضرورت در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده (۲۰۸)

پس از حضور شهود و مطلعان، بازپرس ابتدا اسامی حاضران را در صورت مجلس قید و سپس از آنان به ترتیبی که از جهت تقدم و تأخر صلاح بداند تحقیق می‌کند.

ماده (۲۰۹)

بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم کرده، نام، نام‌خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، آدرس رایانامه (آدرس الکترونیکی)، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی شاهد یا مطلع با طرفین پرونده را سؤال کرده، در صورت مجلس قید می‌کند.

ماده (۲۱۰)

شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد می‌کند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم».

ماده (۲۱۱)

بازپرس می‌تواند در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشد یا از ادای سوگند امتناع کند، بدون یاد کردن سوگند، اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع کند.

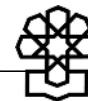
ماده (۲۱۲)

اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می‌شود، سپس متن آن قرائت می‌شود و به امضا یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنانچه از امضا یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضای بازپرس و منشی می‌رسد.

تبصره - بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضا یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.

ماده (۲۱۳)

تفهیم اتهام به کسی که به‌عنوان متهم احضار نشده از قبیل شاهد یا مطلع ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به‌عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود.

**ماده (۲۱۴)**

هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

الف) عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم،

ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع،

ج) استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.

تبصره «۱» - بازپرس در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره «۲» - ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافای حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره «۳» - ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره «۱» آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجرا می‌شود.

ماده (۲۱۵)

در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زبانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضائیه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌کند. هرگاه شاکی، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگاه در جرائم قابل گذشت، شاکی با وجود ملائت از پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده خودداری کند، استماع شهادت یا گواهی مطلعین معرفی شده از جانب وی به عمل نمی‌آید، اما در جرائم غیرقابل گذشت، هزینه‌های مذکور به دستور بازپرس از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود. هرگاه متهم متقاضی احضار شاهد یا مطلع باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضائیه پرداخت می‌شود.

ماده (۲۱۶)

بازپرس در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضا کند، در محل حضور یافته، مبادرت به تحقیق می‌کند.

فصل هفتم - قرارهای تأمین و نظارت قضایی

ماده (۲۱۷)

به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده به منظور جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف) التزام به حضور با قول شرف،

ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام،

ج) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف،

د) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام،

ه) التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهیانه به مرجع قضایی یا انتظامی با

تعیین وجه التزام،

و) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام پس از

اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط،

ز) التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام

از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات،

ح) اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله،

ط) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانتنامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول،

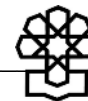
ی) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

تبصره «۱» - در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند «الف»، قرار التزام به

حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای «ب»،

«ج»، «د» و «ه» قرار کفالت صادر می‌شود.

تبصره «۲» - در مورد بندهای «ج» و «د»، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است.



تبصره «۳» - صدور قرار کفالت و وثیقه در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکانپذیر باشد، جایز نیست.

ماده (۲۱۸)

برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می‌شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می‌شود.

ماده (۲۱۹)

مبلغ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

ماده (۲۲۰)

در صورتی که متهم بخواهد به‌جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند.

ماده (۲۲۱)

کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه‌الکفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوراً به‌نظر دادستان می‌رساند. دادستان موظف است در همان روز رسیدگی در این خصوص اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می‌شود.
تبصره - پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.

ماده (۲۲۲)

در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه‌گذار توسط بازپرس، مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می‌شود. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالاست.

ماده (۲۲۳)

بازپرس درخصوص قبول وثیقه یا کفالت قرار صادر کرده، پس از امضای کفیل یا وثیقه‌گذار، خود نیز آن را امضا می‌کند و در صورت درخواست کفیل یا وثیقه‌گذار، تصویر قرار را به آنان می‌دهد.

ماده (۲۲۴)

بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه‌گذار تفهیم کند که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، نسبت به وصول وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.
تبصره - تفهیم مفاد ماده (۱۹۴) این قانون نسبت به کفیل و وثیقه‌گذار نیز الزامی است.

ماده (۲۲۵)

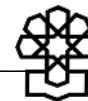
قرار تأمین باید فوراً به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود.

ماده (۲۲۶)

متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌شود؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
تبصره - مرجع صادرکننده قرار و رئیس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند.

ماده (۲۲۷)

مراتب تحویل متهم توسط مأمور رسمی در سوابق بازداشتگاه ثبت و تحویل‌دهنده، رسیدی حاوی ساعت و تاریخ تحویل متهم اخذ و به بازپرس تسلیم می‌کند.

**ماده (۲۲۸)**

کفیل یا وثیقه‌گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد، رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید.

تبصره - در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز، کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند اعزام وی را درخواست نماید. در این صورت پس از حضور متهم مطابق این ماده اقدام می‌شود.

ماده (۲۲۹)

خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است.

تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده (۲۳۰)

متهمی که برای او قرار تأمین صادر شده و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

تبصره - مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.

ماده (۲۳۱)

هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه، آدرس محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل

خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، ابلاغ قانونی اخطاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه التزام کافی است.

ماده (۲۳۲)

دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشده باشد و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.

ماده (۲۳۳)

چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود.

ماده (۲۳۴)

در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آنکه دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد.

ماده (۲۳۵)

متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، درخصوص اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه اعتراض کنند. مرجع رسیدگی به این اعتراض، دادگاه کیفری دو است:

الف) هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است،

ب) هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص



ثالثی متهم را حاضر کرده است،

ج) هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۷۸) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه‌گذار به یکی از آن جهات نتوانسته‌اند متهم را حاضر کنند،

د) هرگاه کفیل یا وثیقه‌گذار مدعی شوند به علت فوت متهم، امکان تسلیم او در مهلت مقرر نبوده است،

ه) هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند.

تبصره «۱» - دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره «۲» - مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رئیس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری دو نزدیک‌ترین شهرستان آن استان است.

تبصره «۳» - در خصوص بند «ه»، دادگاه به ادعای اعسار متهم یا کفیل رسیدگی و در صورت احراز اعسار آنان، حکم به معافیت آنان از پرداخت وجه التزام یا وجه‌الکفاله صادر خواهد کرد.

ماده (۲۳۶)

در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه التزام یا وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه و پیش از اتمام عملیات اجرایی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادر شده، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک‌چهارم از وجه قرار را صادر می‌کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادر شده به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسئولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسئولیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام می‌کند.

تبصره - هرگاه متهم یا وثیقه‌گذار یا کفیل، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، ضبط انجام نشده و اعتبار قرار تأمین صادر شده به صورت کامل به قوت خود باقی است.

ماده (۲۳۷)

صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر، در صورتی که دلایل، قرائن و امارات کافی دلالت بر توجه اتهام به متهم کند:

الف) جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است،

ب) جرائم تعزیری درجه چهار و بالاتر،

ج) جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است،

د) تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه و ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال،

هـ) سرقت، کلاهبرداری، ارتشا، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند «ب» این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هریک از جرائم مذکور باشد.

تبصره - موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، بجز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است.

ماده (۲۳۸)

در موارد مذکور در ماده قبل، صدور قرار بازداشت موقت منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند،

ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد،

ج) آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

ماده (۲۳۹)

قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده، مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار نکر شود. با صدور قرار بازداشت موقت، متهم به بازداشتگاه معرفی می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شده باشد، این جهت در برگه اعزام قید می‌شود.

ماده (۲۴۰)

قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت نظر خود را کتباً به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با قرار بازداشت متهم موافق



نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود و متهم تا صدور رأی دادگاه در این مورد که حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، بازداشت می‌شود.

ماده (۲۴۱)

هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس ظرف مدت پنج روز مستدلاً نسبت به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف مدت ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یکبار می‌تواند این درخواست را مطرح کند.

ماده (۲۴۲)

هرگاه در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت مانده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باش، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقا و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. درخصوص بازداشت موقت، فک، تخفیف، یا ابقای آن باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.

تبصره «۱» - نصاب حداکثر مدت بازداشت، شامل مجموع قرارهای صادر شده در دادسرا و دادگاه بوده و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می‌شود.

تبصره «۲» - تکلیف بازپرس به اظهار نظر درخصوص درخواست متهم، موضوع ماده (۲۴۱)

این قانون، در صورتی است که در آن ماده وفق ماده (۲۴۲) این قانون، نسبت به قرار اظهارنظر نشده باشد.

ماده (۲۴۳)

بازپرس می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادر شده را تشدید کرده یا تخفیف دهد.

تبصره - تشدید یا تخفیف قرار تأمین، اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است.

ماده (۲۴۴)

دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می‌تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود، پرونده برای رفع اختلاف نزد دادگاه ارسال می‌شود و بازپرس طبق نظر دادگاه مزبور اقدام می‌کند. پس از تنظیم کیفرخواست نیز دادستان می‌تواند حسب مورد، از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند. متهم نیز می‌تواند تخفیف تأمین را درخواست کند. تقاضای فرجام‌خواهی نسبت به حکم، مانع از آن نیست که دادگاه صادرکننده حکم، به این درخواست رسیدگی کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد در پرونده ثبت می‌شود. تصمیم دادگاه در این موارد قطعی است.

تبصره «۱» - تقاضای دادستان یا متهم به شرح مقرر در این ماده، در مورد تشدید یا تخفیف نمی‌تواند بیش از یکبار مطرح شود.

تبصره «۲» - چنانچه به نظر دادگاه، قرار تأمین صادر شده متناسب نباشد، نسبت به تخفیف یا تشدید آن اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده (۲۴۵)

دادگاه صالح موضوع مواد (۲۴۰)، (۲۴۲) و (۲۴۴) این قانون مکلف است در وقت فوق‌العاده به اختلاف دادستان و بازپرس یا اعتراض متهم رسیدگی نماید. تصمیم دادگاه قطعی است.

ماده (۲۴۶)

در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا



نظارت قضایی صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.

ماده (۲۴۷)

بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف) معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می‌کند،

ب) منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری،

ج) منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی،

د) ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز،

هـ) ممنوعیت خروج از کشور.

تبصره «۱» - در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت ارائه تضمین لازم برای

جبران خسارات وارد شده، مقام قضایی می‌تواند صرفاً به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.

تبصره «۲» - قرارهای موضوع این ماده ظرف مدت ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالح

خواهد بود. چنانچه این قرار توسط دادگاه صادر شده باشد، ظرف مدت ده روز، قابل اعتراض در

دادگاه تجدید نظر استان خواهد بود.

ماده (۲۴۸)

مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور ۶ ماه و قابل تمدید می‌باشد. در صورتی که مدت مندرج در

دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود به خود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند

مانع از خروج شوند.

ماده (۲۴۹)

در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوط اخذ و به

یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده

پروانه اعلام می‌کند.

ماده (۲۵۰)

قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده، با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

تبصره - اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالاست.

ماده (۲۵۱)

هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شده باشد، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اثبات کرده باشد، با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود.

تبصره - در صورت الغای قرار تأمین یا نظارت قضایی، این امر بلافاصله به مراجع مربوط

اعلام می‌شود.

ماده (۲۵۲)

شیوه اجرای قرارهای نظارت و بندهای «و» و «ز» ماده (۲۱۷) این قانون، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزرای دادگستری و کشور تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده (۲۵۳)

در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضایی را رعایت نماید، بنا به درخواست وی که به تأیید دادستان رسیده باشد و یا پیشنهاد دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد.

ماده (۲۵۴)

هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادر شده به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت



قضایی به متهم، تفهیم می‌شود.

تبصره - در اجرای این ماده نمی‌توان قرار صادر شده را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد.

ماده (۲۵۵)

اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شده‌اند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شده، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت به شرح مواد ذیل مطالبه کنند.

ماده (۲۵۶)

در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست:

- الف) بازداشت ناشی از خودداری شخص در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد،
- ب) به‌منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام قرار داده باشد،
- ج) به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد،
- د) همزمان به‌علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

ماده (۲۵۷)

شخص بازداشت شده باید ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواستش را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدید نظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند.

ماده (۲۵۸)

رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضائیه به‌عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است.

ماده (۲۵۹)

جبران خسارت موضوع مواد فوق برعهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.

ماده (۲۶۰)

به منظور پرداخت خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس می‌شود که بودجه آن هر سال از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد. این صندوق زیر نظر وزیر دادگستری اداره می‌شود و اجرای آرای صادر شده از کمیسیون برعهده وی می‌باشد.

ماده (۲۶۱)

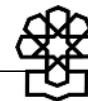
شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های موضوع مواد فوق، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

فصل هشتم - اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات**ماده (۲۶۲)**

بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای براءت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به‌عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.

ماده (۲۶۳)

در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شده و هیچ‌یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

**ماده (۲۶۴)**

پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.

ماده (۲۶۵)

بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوراً نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را کتباً در پرونده اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند. چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

ماده (۲۶۶)

چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.

تبصره - هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه است.

ماده (۲۶۷)

در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، درخصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود و در موارد موقوفی یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضایی ملغی و چنانچه متهم بازداشت باشد، بلافاصله آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین مأخوذه رفع اثر نماید.

ماده (۲۶۸)

در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

ماده (۲۶۹)

در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

ماده (۲۷۰)

علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:

الف) قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی،

ب) قرار بازداشت موقت، ابقا و تشدید تأمین به تقاضای متهم،

ج) قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.

تبصره - مهلت اعتراض به قرارهای فوق، برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است.

ماده (۲۷۱)

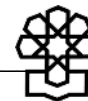
مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

ماده (۲۷۲)

در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری دویست است که دادرسی در معیت آن انجام وظیفه می‌کند.

ماده (۲۷۳)

حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در جلسه فوق‌العاده دادگاه صورت می‌گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «ج» و «د» ماده (۳۰۲) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل تجدیدنظر خواهد بود.

**ماده (۲۷۴)**

دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه خواهد داد.

ماده (۲۷۵)

هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، دادرسی مربوط با انجام تحقیقات مورد نظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات مورد نظر دادگاه ابهامی بیاید، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند.

ماده (۲۷۶)

در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار کرده، موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال کند.

ماده (۲۷۷)

در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرفنظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

ماده (۲۷۸)

هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شده باشد، نمی‌توان متهم را به همان اتهام بار دیگر تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادرسی قطعی شده باشد، نمی‌توان متهم را به همان اتهام بار دیگر تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یکبار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شده باشد، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یکبار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه،

تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.

ماده (۲۷۹)

در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

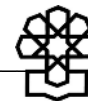
- الف) مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او،
- ب) آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت،
- ج) نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه،
- د) ادله انتساب اتهام،
- هـ) مستند قانونی اتهام،
- و) سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم،
- ز) خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم.
- تبصره -** هرگاه در صدور کیفرخواست، سهو قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند.

ماده (۲۸۰)

عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر شده، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم نموده تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع نموده و سپس مبادرت به صدور رأی نماید.

ماده (۲۸۱)

هرگاه قبل از ارسال پرونده به دادگاه، موجبی برای آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین حادث شود، دادرسی با رعایت مقررات قانونی اقدام می‌کند.

**ماده (۲۸۲)**

دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.

ماده (۲۸۳)

پس از صدور کیفرخواست و قبل از ارسال به دادگاه، هرگاه شاکی در جرائم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادر، دادستان از کیفرخواست عدول می‌کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می‌شود. در جرائم غیرقابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می‌تواند از کیفرخواست عدول و تعقیب را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می‌کند.

ماده (۲۸۴)

در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاه‌های مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هریک از دادگاه‌های صالح صادر می‌شود.

فصل نهم - تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان**ماده (۲۸۵)**

در معیت دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرای عمومی با عنوان دادرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال بجز جرائم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که مستقیماً از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرای به عمل می‌آید.

تبصره «۱» - تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر ۱۵ سال مستقیماً در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که برطبق قانون به عهده ضابطان دادگستری و دادرای انجام می‌دهد.

تبصره «۲» - در جرائم مشهود، هرگاه مرتکب طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری

مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را نداشته و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد فوراً به داسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به داسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نخواهد بود.

ماده (۲۸۶)

علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳)، در جرائم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط داسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

ماده (۲۸۷)

در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیا، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند.

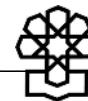
در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای ۱۵ سال امکانپذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرائم پیش‌بینی شده در ماده (۲۳۷)، داسرا یا دادگاه می‌تواند با رعایت ماده (۲۳۸)، قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند.
تبصره - قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت می‌باشد.

فصل دهم - وظایف و اختیارات دادستان کل کشور

ماده (۲۸۸)

دادستان کل کشور بر کلیه داسراهای عمومی و نظامی نظارت دارد و به‌منظور حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین داسراها می‌تواند اقدام به بازرسی نماید و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به مراجع قضایی مذکور صادر نماید. همچنین وی پیشنهادهای لازم را به رئیس قوه قضائیه و سایر مراجع قضایی و اجرایی ذیربط ارائه می‌کند.

تبصره «۱» - چنانچه دادستان کل کشور در اجرای وظایف مقرر در این فصل و سایر وظایف قانونی خود، به موارد تخلف یا جرم برخورد نماید حسب مورد مراتب را برای تعقیب قانونی به



دادرسی انتظامی قضات، مراجع قضایی یا اداری صالح اعلام می‌کند.
تبصره «۲» - کلیه مراجع قضایی و قضات مکلفند همکاری‌های لازم را در اعمال نظارت دادستان کل کشور انجام دهند.

ماده (۲۸۹)

دادستان کل کشور می‌تواند انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادرسی را به رئیس قوه قضائیه پیشنهاد دهد.

تبصره «۱» - پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی سراسر کشور پس از کسب نظر موافق از رئیس کل دادگستری استان ذیربط با دادستان کل کشور است.

تبصره «۲» - پیشنهاد انتصاب، جابجایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های نظامی پس از کسب نظر موافق از رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح با دادستان کل کشور است.

ماده (۲۹۰)

دادستان کل کشور مکلف است در جرائم راجع به اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت وارده به حقوق عمومی که نیاز به طرح دعوی داشته باشد از طریق مراجع ذیصلاح داخلی، خارجی و یا بین‌المللی پیگیری و نظارت نماید.

ماده (۲۹۱)

در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسئولان کشوری به‌عهده دیوان عالی کشور می‌باشد، اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم توسط دادرسی دیوانعالی کشور صورت می‌گیرد.

ماده (۲۹۲)

کلیه مراجع قضایی مکلفند در موارد قانونی پس از اتخاذ تصمیم بر ممنوعیت خروج اشخاص از کشور، مراتب را به دادستانی کل کشور ارسال دارند تا از طریق فوق به مراجع ذیربط اعلام گردد.

تبصره - دادستان کل کشور در موارد انقضای مدت قانونی ممنوعیت خروج از کشور اشخاص و عدم تمدید آن توسط مراجع مربوطه، نسبت به رفع ممنوعیت خروج اقدام می‌کند.

ماده (۲۹۳)

هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور محجورین و غایب مفقودالاثربی‌سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف بین موازین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد مستدلاً از دیوانعالی کشور درخواست نقض حکم را می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت پذیرش تقاضا، رأی صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌نماید.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۴۱۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درباره لایحه آیین دادرسی کیفری «پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها» (باب دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی)

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه جزا)

تهیه و تدوین: مجتبی جاویدی

مدیر مطالعه: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی

ناظر علمی: بهزاد پورسید

همکاران داخل مرکز: سیدمیثم عظیمی، محمد زهروی، حمید بهره‌مند، امیرحسین جلالی، حامد رحمانیان

همکاران خارج از مرکز: محمد آشوری، علی خوشوقتی، علی‌اکبر مهابادی، محمد ناصری‌صالح‌آبادی، حسنعلی مؤذن‌زادگان، جواد طهماسبی، محمود آخوندی، محمد مصدق

متقاضی: کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی: _____

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۳/۳۰